

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی  
بخش دورنگه

PIR	شماره ثبت
۶۶	شماره دورنگه
۸۳۱۱۲۱۱	شماره و گروه

دانشگاه پیام نور

دانشکده

علوم انسانی

گروه

ادبیات فارسی

پایان نامه

عناصر حماسی در اشعار مهدی اخوان ثالث

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در

رشته ادبیات فارسی

مؤلف

اسلام اسلامی

استاد راهنما

دکتر حسین نجف دری

استاد مشاور

دکتر محمود عابدی

ماه و سال انتشار

شهریور ۱۳۸۳

۱۳ / ۲ / ۱۳۸۷

۱۹۷۳۵۳

## تصویب نامہ

پایان نامہ تحت عنوان :

عناصر حماسی در اشعار مہدی اخوان ثالث کہ توسط آقای  
اسلام اسلامی تہیہ و بہ ہیات داوران ارانہ گردیدہ  
است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع : ۸۳/۶/۱۸ نمرہ : ۱۹  
درجہ ارزشیابی : عالی  
لوزہ

اعضای ہیات داوران :

نام و نام خانوادگی ہیات داوران مرتبہ علمی امضا

آقای دکتر نجف دری	استاد راهنما	استاد یار	امضا
آقای دکتر عابدی	استاد مشاور	استاد یار	امضا
خانم دکتر محمدی بدر	استاد داور	استاد یار	امضا
خانم دکتر کوپا	نماینده گروه	استاد یار	امضا

این پایان نامه را تقدیم می کنم به دو گوهر گران بهای زندگیم - پدرم و مادرم - که راه های همواره خواندن را  
برایم هموار نموده اند .

و پیشکش به همسرم که در لحظه لحظه ی زندگیم ، به ویژه در کتابت این پایان نامه مرافقی موافق و مشفق  
مشوق بوده است .

امید که این پایان نامه شادمانی این عزیزان را به همراه داشته باشد .

## پیشگفتار

این پایان نامه دارای مقدمه ، سه فصل و نتیجه می باشد . در مقدمه کلیت موضوع فهرست وار مورد بررسی قرار گرفت و در فصل نخست به موضوعاتی چون تعریف حماسه و عناصر حماسی پرداخته و به سبب نزدیکی حماسه با مقوله های دیگر مانند اسطوره و تراژدی و افسانه ، ضمن مقایسه حماسه با این مقوله ها پاره ای از شباهت ها و تفاوت های آن ها را به کتابت در آوردیم . پس از آن از منشاء و تاریخچه حماسه سخن راندیم . در فصل دوم رساله برای دست یابی به نحوه ی گرایش اخوان به حماسه به تفحص در زندگی ، احوال و آثار اخوان پرداخته و پس از آن از ویژگی های شعر اخوان ، حماسه گرایی در شعر اخوان ، نزدیکی اخوان و فردوسی ، دشمنان ایران از دیدگاه اخوان ، بررسی محتوای مجموعه ها و ... سخن به میان آوردیم و در فصل سوم تمام عناصری را که به نوعی - اصلی (عناصری که در نوع ادبی حماسی به کار می رود و مخصوص این نوع ادبی است) یا فرعی (عناصری که در تمام انواع ادبی کار برد دارد ولی بسامد کاربرد آن در نوع حماسی بیشتر است) - با حماسه مربوط می گردد از دفترهای شعر اخوان استخراج نموده و به ترتیب حروف الفبایی تقسیم نمودیم . پس از توضیح مختصری از آن عنصر ، با استناد به مآخذ و منابع معتبر ، به بررسی آن عنصر در شعر اخوان پرداختیم . و در ادامه با توجه به معیارهای زیر برای هر کدام از عناصر از مجموعه های اخوان شاهد مثال آوردیم:

۱ - بیشتر به موضوع حماسی نزدیک باشد.

۲ - دارای معنی مستقل و رسا باشد.

۳ - زیبا باشد.

پس از آن نشانی تمام مواردی که هر یک از عناصر به کار رفته بود به نگارش در آمد . در فصل چهارم نتایجی که از نوشتن این پایان نامه عاید حقیر شد به کتابت درآمده و در خاتمه عمده ترین منابع و مآخذی که در این پایان نامه از آن ها استفاده شده بود به صورت الفبایی نوشته شد .

جای دارد از همه استادانی که اوقات ارزشمند خود را صرف تعلیم و تربیت بنده نموده اند، استادانی که برضعف های من به خواری ننگریستند و چراغ دانش فرا راه نهادند تا در ظلمت جهالت محبوس نمانم. تشکر و قدر دانی نمایم.

از آقای دکتر حسین نجف دری که بیش از دانش وسیع از منش و کنش اخلاقی و انسانی او درس هنا گرفتم و از جناب دکتر محمود عابدی که با نکته سنجی های خود گره های دشوار و پیچیده ی این رساله را برایم آسان نمود و از استادانی چون خانم دکتر کوپا، مدیر محترم گروه ادبیات فارسی دانشگاه، دکتر ترکی، دکتر امام زاده، دکتر کامل احمد نژاد و دیگر عزیزانی که به آن ها مدیونم کمال تقدیر و تشکر را دارم.

## فهرست مطالب

فهرست اختصارات

مقدمه

## فصل اول

۱- معنی لغوی و اصطلاحی حماسه

۲- معنی اصطلاحی حماسه

۳- عناصر حماسی و ویژگی های آن

۴- حماسه و افسانه

۵- حماسه و اسطوره

۶- حماسه و تراژدی

۷- تاریخچه حماسه گرایی در ایران

الف) دوره ی ظهور و پیدایش

ب) دوره ی تدوین و تکامل

۸- آثار حماسی پیش از اسلام

۹- آثار حماسی پس از اسلام

الف) آثار حماسی ملی

ب) آثار حماسی دینی

ج) آثار حماسی تاریخی

## فصل دوم

۱- زندگی ، احوال و آثار مهدی اخوان ثالث

۲- جایگاه اخوان در ادب معاصر

۳- ویژگی های شعر اخوان

۴- ویژگی های زبانی شعر اخوان

الف) کاربردهای واژگانی

ب) کاربردهای دستوری

۵- حماسه گرایی در شعر اخوان

۶- دوره های شعر اخوان

الف) دوره قبل از شکست

ب) دوره بعد از شکست

۷- نگاهی به محتوای مجموعه ها

الف) ارغنون

۲۴	ب) زمستان
۲۵	ج) آخر شاهنامه
۲۶	د) از این اوستا
۲۷	ه) در حیاط کوچک پاییز در زندان
۲۷	و) زندگی می گوید ، اما باز باید زیست ...
۲۸	ه) دوزخ اما سرد
۲۸	ی) ترا ای کهن بوم وبر دوست دارم
۲۸	۸ - دشمنان ایران از دیدگاه اخوان
۳۰	۹ - اخوان و فردوسی
۳۱	۱۰ - ساخت و موقعیت عمومی و فردی حماسه در شعر اخوان
	الف) نبرد میان نیکی و بدی یا اهورا و اهرمن
	ب) تقدس گذشته
	ج) وظیفه معین انسان در حماسه
۳۳	۱۱ - نوع شعر اخوان
۳۳	۱۲ - پیوند آئین گذاران و اخوان
۳۵	فصل سوم
۳۶-۱۰۶	۱ - بخش عناصر حماسی اصلی
۱۰۷-۱۱۹	۲ - بخش عناصر حماسی فرعی
۱۲۰-۱۲۵	استنتاج
۱۲۶-۱۲۸	فهرست منابع و مآخذ



## چکیده رساله

این پایان نامه بر آن است تا با شیوه ای روشمند، مستند و تحقیقی نشان دهد که عناصر حماسی در شعر مهدی اخوان ثالث تا چه میزان به کار رفته و چه عواملی در به کارگیری اخوان از این عناصر مؤثر بوده است. در این نوشتار با تقسیم بندی موضوعی در سه فصل و نتیجه مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل اول این پایان نامه ضمن تعریف های معتبر از حماسه و عناصر حماسی، از آنجا که حماسه در پاره ای موارد با موضوعات دیگر می آمیزد، نخست به مقایسه حماسه با مقولات مشابه مانند افسانه، اسطوره، تراژدی پرداخته شد، همچنین در این فصل از موضوعاتی چون تاریخچه و آثار حماسی و... سخن به میان آمد. در فصل دوم، بر دست یابی به ردپاهای آغازین گرایش اخوان به حماسه و حماسه آفرینان، به تحقیق در زندگی، احوال و آثار او، ویژگی های شعری و زبانی و... پرداخته و از موضوعاتی دیگر که به نوعی با حماسه گرایی اخوان مربوط می شد سخن به میان آمد. در فصل سوم، که مهم ترین فصل و هدف اصلی پایان نامه است، ابتدا عناصر حماسی به کار رفته در شعر اخوان را، در دو بخش اصلی و فرعی، به صورت الفبایی نوشته و با توجه به مآخذ و منابع معتبر شرح مختصری از آن عنصر به نگارش در آمد و در ادامه از معنی و منظور اخوان از این عناصر سخن به میان آمد. پس از آن شواهدی را که در مجموعه های اخوان به کار رفته است، با ذکر صفحه و سطر، نوشته شده است. در فصل چهارم ستاوردهایی که در ضمن تحقیق عاید نگارنده شد به رشته تحریر در آمد و در خاتمه منابع و مآخذ مورد استفاده به صورت الفبایی ثبت شد.

## فهرست اختصارات

۱ - آخر : آخر شاهنامه

۲ - اوستا : از این اوستا

۳ - باید زیست : زندگی می گوید اما باز باید زیست . باید زیست . . .

۴ - پاییز : در حیات کوچک پاییز در زندان

۵ - دوزخ : دوزخ اما سرد

۶ - سه : سه کتاب

۷ - کهن بوم وبر : ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم

## مقدمه

نگاهی عیار سنجانه در فرهنگ و تمدن ایران نمودار این حقیقت است که حماسه در این مرز پر گهر سابقه ای دراز دامن و گسترده دارد. این مرده ریگ با ارزش پیشینیان از دیر باز توجه همگان را به سوی خویش فرا خوانده است. در تاریخ ادبی سرزمینمان گذشته از ادبیات کلاسیک، در ادبیات معاصر ایران نیز، شاعرانی را می توان یافت که کاربردهای حماسی در اشعارشان از بسامد بالایی برخوردار است. تحلیل ژرف بینانه کارشناسان و پژوهندگان مؤید این است که حماسه گرایان در اشعار این شاعران جلوه ی نوینی به ادبیات ما بخشیده است. اخوان از پیشگامان و پیشروان حماسه پرداز معاصر است. وی، که از معتبرترین سرایندهگان شعر نو می باشد، با دست یابی به شکل تازه ای از حماسه به قول دکتر شفیعی کدکنی «کشوری مستقل را تأسیس کرد» [ناگه غروب کدامین ستاره، ص ۹۲] کشوری با مرزهایی مشخص و حکومتی قوی و اهدافی مقدس. توجه به اساطیر ملی و حماسی از پایه های اصلی اندیشه اوست. او در جهت تبیین اهداف سیاسی و اجتماعی خود به روزگار پر فروغ کهن که پرتو آن، قلب های بسیاری از دردمندان را به سمت غروری حسرت وار سوق می دهد، پناه می آورد و با روایت قصه های بریاد رفته خود را دلشاد می سازد. اخوان معنویتی را در گذشته می بیند، که در حال به تباهی کشیده شده است. وی ناچار احیای میراث کهن را سر لوحه اهدافش قرار می دهد.

در این رساله مهم ترین هدف ما این بود که روشن کنیم حماسه چیست؟ و عناصر حماسی چه چیزهایی را شامل می شود؟ و این عناصر در شعر اخوان به چه معنی به کار می روند؟ آیا اخوان مقلد صرف است یا این که به مقتضای حال و مقام حرفی تازه دارد؟

در این اثر سعی شده است تا با کنکاش در آثار اخوان زمان و علل گرایش او به الگوهای ملی، حماسی و

اساطیری — آرکی تایپ یا کهن الگویی — را دریابیم.

می خواهیم دریابیم اخوانی که در کتاب ارغنون خود با نگاهی فردی و عاشقانه زبانی سنتی را، که گاه بوی تنید کهنگی مشام ذوق را می آزد، می آزماید چگونه به سبک نیمایی، با بهره مندی وسیع از عناصر ملی و حماسی، روی می آورد؟ و چگونه خود را به نقطه عطفی در شعر نو می رساند؟

در پایان نگارنده، با همه بهره مندی از نوشته های بزرگانی که هرازگاهی مطالب آن هارا نیز درج کرد و زمان زیادی را که در این راه خرج نمود باید جمله موتی (نویسنده و حکیم فرانسوی) را که زبان حال او است نقل کند: «من در اینجا فقط دسته گلی دست چین ساخته ام و تنها چیزی را که خود آوردم، بندی است که آن هارا به هم بسته است.» با امید به این که این پایان نامه بتواند گره ای را از کار جویندگان ادبیات، به ویژه ادب معاصر، بگشاید کلام را با شعری از مولانا به پایان می بریم:

ای خدای پاک و بی انباز و یار	دستگیر و جرم ما را در گذار
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن	مصلحی تو ای تو سلطان سخن
کیمیا داری که تبدیلش کنی	گرچه جوی خون بودنیش کنی
اینچنین میناگری ها کار توست	اینچنین اکسیرها زاسرار توست

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

فصل اول

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

در فصل نخست این پایان نامه، سعی داریم تا با نگاهی ژرف و بنیادین در حماسه ملی ایران ساختار، درونمایه، شکل گیری و خاستگاه حماسه و آن چه حماسه پردازان کهن به آن پرداختند را بیابیم. امید که این کنکاش نوین - با همه کوششی که برای آن شده است - گره های کاوشگران و علاقه مندان ادبیات حماسی را بگشاید.

#### معنی لغوی حماسه

فرهنگ بزرگ سخن، درباره واژه ی حماسه این گونه می نویسد: «۱- کاری افتخار آفرین که از سر شجاعت و بی باکی یا مهارت و ورزیدگی انجام شده باشد. ۲- سخنی که در بیان افتخارات و از سر نازش گفته می شود؛ رجز ۳ - داشتن توانایی جسمی و روحی برای رویارویی با خطر؛ دلیری، شجاعت، بی باکی.» [دکتر حسن انوری، ۱۳۸۱، ذیل واژه ی حماسه ]

فرهنگ های دیگر نیز واژه ی حماسه را به گونه های « دلیری، شجاعت و دلاوری معنی کرده اند.» [ لغت نامه ی دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه ی حماسه ]

#### معنی اصطلاحی حماسه

حماسه یکی از انواع مهم ادبی است این نوع شعر مهیج، ویژه ی دارندگان تمدن و فرهنگ بزرگ کهن است، اقوامی که سالیان سال با هم زیستند و پیروزی و شکست ها را تجربه نمودند، آنانی که رشادت های مردان وسلحشوران ملتشان را دیدند و به خاطر سپردند و توانستند احوال پیشینیان را برای متأخرین ترسیم کنند.

حماسه نقطه درخشانی از دوره های تاریخی است که پژواک سرود آن ملتی را جان نو می بخشد. این مرده ریگ پیشینیان نشانگر فرهنگ بالای آن قوم و برهانی قاطع بر عظمت و شکوه و جلالت آن قوم است، مردمی که با تمام رنج و سختی های زندگیشان، دژمنشی و آزکامی را دشمن داشتند و از فرمانبرداری خودکامگان سرباز زدند. تعریف های گوناگونی از حماسه شده است که ذیلاً به برخی از آن ها اشاره می شود:

«حماسه یک شعر بلند روایی است، درباره رفتار و کردار پهلوانان، رویداد های قهرمانی و افتخارآمیز در حیات باستانی یک ملت.» [محمد مختاری، ۱۳۷۹، ص ۲۷]

«روایت بلندی است - اغلب منظوم - با سبکی فخیم و زمینه ای قهرمانی و صبغه ی قومی و ملی که حوادثی خارق العاده در آن جریان دارد.» [غلامحسین مصاحب، ۱۳۵۱، ذیل واژه ی حماسه]

«حماسه شجاعت، دلاوری، در ادبیات نوعی از شعر است در وصف پهلوانان، وداستان هایی از نبردها و دلاوری ها و افتخارات قومی و نژادی که به نظم در آورده باشند، مانند شاهنامه ی فردوسی، شعر حماسی، شعری که در وصف دلیران و جنگ ها و دلاوری های آنان باشد.» [حسن عمید، ۱۳۷۴، ذیل واژه ی حماسه]

«نوعی اشعار وصفی که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی و افتخارات و بزرگی های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد.» [دکتر ذبیح الله صفا، ۱۳۵۲، ص ۱۳]

همچنین در دانشنامه فارسی این گونه نوشته شده است: «یکی از انواع ادبی است و آن داستان هایی است غالباً به شعر (شعر یا منظومه حماسی) در وصف پهلوانی ها و جنگ ها و مردانگی ها و افتخارات قومی و ملی و نژادی.» [دکتر حسن انوشه، ۱۳۷۵، ذیل واژه ی حماسه]

با توجه به تعاریف ارائه شده مشاهده می شود که پژوهندگان در تعریف حماسه بیشتر به جنبه منظوم آن توجه داشتند ، این در حالی است که حماسه و روایات ملی قبل از نوع ادبی خود وجود داشته است - در این باره به بحث درباره منشاء حماسه در ایران رجوع شود - و وابستگی تمام و کمال حماسه به فرهنگ مردم ، قبل از پیدایش اوزان عروضی بوده است . حماسه در دوره ی آغازین خویش به گونه شفاهی و نقل روایات رایج بوده است ، پس از آن به صورت منثور نوشته شد . می دانیم که فردوسی ، شاعر بزرگ حماسه سرای ایران ، برای سرایش شاهنامه ، شاهنامه منثور ابو منصور را اساس کار خود قرار می دهد . پس حماسه بعدی وسیع تر از شعر حماسی دارد . در مجموع برای تعریف مقوله ی ابهام انگیز حماسه باید فرهنگ ، تمدن ، و تاریخ ملتی را دانست زیرا اساس و بنمایه حماسه در آن نهفته است .

### عناصر حماسی و ویژگی های آن

نخستین نگاه به عنوان این نوشتار این سوال را در ذهن ایجاد می کند که عنصر چیست و عناصر حماسی کدامند ؟ و با کمی دقت سولاتی ، نظیر نقش عناصر حماسی در روایات ملی چیست ؟ آیا این عناصر هستند که آفریننده روایات حماسی اند ؟ یا این که مردم این عناصر را خلق نمودند تا این که به آمال و آرزوهای دست نیافته خودشان برسند ؟ نیز ، در ذهن خواننده ایجاد می شود .

فرهنگ ها درباره واژه ی عنصر معانی چون بیخ ، بن ، اصل ، بنیاد ، اصلی که اجسام دارای طبایع مختلف از آن متشکل می گردد و... ذکر نموده اند . فرهنگ دهخدا در ذیل کلمه ی عنصر می نویسد : عنصر به معنی شخص ، فرد و وجود به کار می رود . فلانی عنصر خطرناکی است ، و نیز جمع آن عناصر به همین معنی به کار می رود ، فلانی از عناصر ملی است . با توجه به توضیحات فوق عنصر حماسی را می توان به گونه های ذیل معنی نمود : واژه ای که به شکلی به حماسه مربوط باشد و یا موجودی که در حماسه نقش آفرین باشد ، و یا به عبارتی دیگر عنصر حماسی : یعنی مقوله حماسی ، خواه این عنصر حیوان باشد خواه انسان و خواه ... بنابراین عناصر حماسی که در این پایان نامه به آن پرداختیم همان مقولات حماسی است . مقولاتی که در روایات ملی و حماسی نقش آفرین باشند .

عناصر حماسی دارای ویژگی هایی است که برخی از آن ها را می توان این گونه برشمرد :

۱- این عناصر مدت ها پس از حضور در حماسه ملی شناخته شدند . مثلاً عناصری که فردوسی و دقیقی از آن ها نام می برند مربوط به قرن های بسیار کهن ، که حتی قسمت هایی از آن به دوره های قبل از اوستا می رسد ، می باشد . بنابر گفته دکتر صفا: « همیشه منظومه های پهلوانی دیری پس از وقوع پهلوانی ها و حوادث پهلوانی و تکوین ملیت و مدنیت یک قوم به وجود می گراید. » [ دکتر ذبیح الله صفا ، ۱۳۵۲ ، ص ۸ ]

۲- اغلب عناصر حماسی دارای قدرتی فوق بشری و یا موجوداتی غیر عادی و طبیعی اند و کارهایشان در شمار خرق عادت است . البته این عناصر روزی صاحب حقیقتی خارجی بودند اما از آن جا که به شدت با اساطیر و افسانه های ملی در آمیخته اند وجود خارجی آن ها غیر حقیقی گردید اما در عین حال صورت حقیقی داشته اند .

۳- کار عناصر - به ویژه پهلوانان - تنها جنگ و جدال و خون ریزی نیست بلکه در عین حال نشان دادن مردانگی و آزادی است . مردمان با عقاید و آرمانی ارجمند برای تشکیل ملیت و مدنیت خود تلاش می کردند و پهلوانان این دوره نقش مهمی در به ثمر رساندن این آرزو و آمال داشتند . اناتی که در شمار عناصر حماسی قرار می گیرند با حیوانات معمولی تفاوتی فاحش دارند مثلاً رخش - اسب رستم - دارای هوشی نزدیک به انسان است و در بسیاری از جنگ ها به یاری رستم می شتابد .

۴- اغلب این عناصر در زمان و مکان خاصی حضور ندارند زیرا اگر این عناصر در مکان و زمان خاصی حضور داشتند گிரایی آن‌ها از بین می‌رفت مثلاً در بیشتر داستان‌های شاهنامه اشاره‌ای مبهم به مکان گردیده و از نظر زمان نیز محدود به زمان خاصی نیست.

### حماسه و افسانه

در گستره‌ی کاوش‌های حماسه‌شناسی پرسش‌هایی چون آیا داستان‌های حماسی ایران واقعی است؟ آیا روایات حماسی نمودی از اعتقادات و باورهای مقدس گذشته مردم است؟ آیا شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته آن‌ها را به سمت داستان پردازی سوق نداده است؟ آیا این داستان‌ها که غالباً پیروزی ایرانیان را در پی داشت برای گذراندن اوقات و انبساط خاطر نبوده است؟ و سوالاتی از این دست چهره می‌نمایند.

افسانه، روایی غیر واقعی است که غالباً برای مسرت خاطر و پر کردن اوقات فراغت ساخته می‌گردد. تئودور نالدکه درباره‌ی حماسه ملی ایران می‌گوید: «در تألیفاتی که به زبان عربی نوشته شده است و نیز شاهنامه فردوسی چند نفر از پهلوانان کهن دارای اسمایی هستند که شاه زادگان اشکانی نیز همان نام‌ها را داشته‌اند ابتدا گودرز و پسرش گیو و اصل آن ویو ذکر می‌گردد که متشابه با گترزس ویدررش می‌باشد. مارکوارت به این دو نفر میلاد (پدر گرگین) را اضافه می‌کرده و با هوش سرشار خود کشف کرده است که میلاد تبدیل و تغییر با قاعده‌ی مهرداد است.» [تئودور نالدکه، ۱۳۲۷، ص ۲۴] اسامی نام برده شده و بسیاری دیگر از پهلوانان که مهم‌ترین عناصر حماسی ایران هستند طبق قرائن و شواهد وجودی خارجی و واقعی داشتند. «برای داستان‌های پهلوانی ایران مهم تراز همه عنصر تازه وارد دیگری است که مع هذا بنا بر تمام قرائن به کلی افسانه‌ای می‌باشد. و آن رستم بزرگ‌ترین پهلوان شاهنامه است.» [تئودور نالدکه، ۱۳۲۷، ص ۲۸] زندگی رستم که از مهم‌ترین عناصر حماسی است با افسانه‌ها در آمیخت. تولد، پرورش، انتساب مادرش رودابه به ضحاک، که شخصیتی اهریمنی دارد، و پرورش پدرش به وسیله سیمرغ - که او نیز به قول تئودور نالدکه اهریمنی است - و... درک واقعی بودن این مرد را سخت کرده است روی هم رفته اگر روایات حماسی از پالایه بررسی هوشمندانه بگذرند، واقعیت روایات و عناصر حماسی پیش از پیش اثبات خواهد شد.

ممکن است عواملی چون گذشت زمان و تخریب روایات به وسیله برخی خنیاگران دوره گرد و نقالان سبب غیبر واقعی شدن این روایات شده باشد اما به طور جزم می‌توان گفت روایات حماسی ایران ابداعی و ابتکاری نیست بلکه اکثر آن‌ها دارای مبادی تاریخی است و در بن مایه و شالوده، حقیقی است و انکار آن نابخردانه و فرهنگ ستیزانه خواهد بود. محقق بزرگ، دکتر صفا، در این باره می‌نویسد: «برخی ضمن تحقیق داستان‌های ایران آن‌چه را که در شاهنامه در باب پیشدادیان و کیانیان می‌یابیم از مقوله خرافات می‌شمارند به عقیده من این حکم نتیجه‌ی عدم استقصا و تحقیق است و هیچ داستان ملی و عام که از آغاز مورد قبول همگان شود و از روزگاران بسیار قدیم آثاری از آنان بیابیم ممکن نیست اختراع باشد.» [دکتر ذبیح‌الله صفا، ۱۳۵۲، ص ۳۱۴]

### حماسه و اسطوره

در راستای دستیابی به پیوند اسطوره و حماسه لازم است تعریفی از اسطوره را ارائه دهیم. اسطوره شناسان برای دست‌یابی به این تعریف کاوش‌هایی گسترده و بنیادی نموده‌اند اما هر یک با وجود کوشش‌های بسیار نتوانستند درباره این مقوله پر ابهام تعریفی جامع و فراگیر به دست دهند. از میان تعریفات ارائه شده تعریف زیر را که به نظر می‌رسد جامع‌تر و در بر گیرنده‌تر از دیگر تعاریف باشد می‌آوریم: «اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌ای نمادین در باره ایزدان،

فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می بندند؛ اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده است و به گونه نمادین، تخیلی و وهم انگیز می گوید که چگونه پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت، و در نهایت، اسطوره به شیوه ای تمثیلی کساوشگر هستی است.» [ابوالقاسم اسماعیل پور، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۴]

درباره پیوند و درهم تنیدگی اسطوره و حماسه ناقدان ادبی و اسطوره شناسان پژوهش های گسترده نموده و نظرات مفید و دقیقی داده اند از آن جمله این که: «اسطوره به مامی پرورده می ماند که حماسه را می زاید و آن را در دامان خویش می پرورد و می بالاند. حماسه راستین و بنیادین جز از دل اسطوره بر نمی تواند آمد از این روی، حماسه، تنها در فرهنگ و ادب مردمانی پدید می آید که دارای تاریخی کهن و اسطوره ای دیرینه اند. در شکاف و استخراج حماسه از بطن اسطوره، روایات اساطیری هیأت مینویی خود را از دست داده و در پیکر زمینی و انسانی ... در می آید. حماسه سرشت و ساختاری این جهانی دارد. اما اسطوره در جوهر و بنیاد خویش مینوی و آن جهانی است، حماسه چونان زاده ای اسطوره ای باز گشتی است دیگر باره به گیتی با حماسه کما بیش ارزش ها و بنیادهای اسطوره های دیگر بار از پایگاه برین خویش فرو می افتد و از مینو به گیتی باز می آیند جدایی حماسه و اسطوره در سرشت و گوهر آن نیست، تنها در این است که حماسه، پیش از دیگر بنیادها و مایه های اسطوره بخت آن را یافته است که راه به قلمرو جاودانه هنر بکشد، و جامه ای از شعر در بر کند و در سایه ادب و افسون های آن جاودانه شود.» [میر جلال الدین کزازی، ۱۳۷۲، صص ۴۳، ۱۸۶-۱۸۷ و ۱۸۲]

#### حماسه و تراژدی

ارسطو در فن شعر در باب شباهت ها و تفاوت های حماسه و تراژدی بحث هایی دارد، مثلاً می نویسد: «اما حماسه شناسی مشابهتی که با تراژدی دارد، فقط در این است که آن نیز یک نوع تقلید و محاکات است به وسیله وزن، از احوال و اطوار مردان بزرگ و جدی، لیکن تفاوت آن با تراژدی از این بابت است که در حماسه شیوه ی بیان حماسه نقل و روایت است - نه فعل و عمل - همچنین از حیث طول مدت نیز بین این دو تفاوت است - تراژدی کوتاه است - در صورتی که حماسه از حیث زمان محدود نیست.» [نقل از سیروس شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰] همچنین ارسطو اجزاء ششگانه ای برای تراژدی قائل است که عبارت است از: «سخن، وزن، داستان، آهنگ، منظره، نمایش، و عناصر تشکیل دهنده حماسه را سخن، وزن و داستان می داند.» [سیروس شمیسا، ص ۱۴۰] در تراژدی واقعه ای دهشتناک پیش می آید که آن روایت را به غمنامه ای بدل می سازد به عنوان مثال حادثه مرگ سهراب به وسیله پدرش این داستان را غمنامه ای پر آب چشم ساخته است.

حماسه نبرد میان نیکی و بدی است که با چیرگی نیکی خاتمه می یابد اما این اصل در تراژدی صادق نیست. در تراژدی کوشش و چاره اندیشی برای رهایی از رویداد های غیر منتظره ی تقدیر است اما حلقه های زنجیر در چنگال سر نوشت راه های جولان را مسدود نموده و انسان محکوم به پذیرش آن کرده است. در حالی که در حماسه، شخص در پی رهایی از تقدیر نیست، با اهریمن و بدی مبارزه می کند و فائق می آید. در تراژدی دلهره ای خواننده را وارد صحنه می کند اما در حماسه این شکل دلهره ها وجود ندارد، شاید به آن سبب باشد که پایان حماسه قابل پیش بینی است، حماسه سرگذشت پیشینیان را روایت می کند و انسان را به آن سمت می کشاند اما در تراژدی روایات پیشین نمودی امروزی می یابد به این گونه که خواننده نیز وارد صحنه می گردد.



### تاریخچه حماسه گرایی در ایران

تاریخ حماسه ملی ایران را به اعتباری می توان به دو دسته تقسیم نمود. در این نوشتار سعی می کنیم هر کدام از آن ها را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

#### الف) دوره ظهور و پیدایش

کنکاش در پیدا نمودن خاستگاه حماسه که حتی کوچک ترین اثری از آن برتخته سنگی از جبال باقی نمانده است کاری بسیار دشوار است هر چند که کوشش پژوهشگران برای ردیابی این خاستگاه بسیاری از این پیچیدگی ها را مرتفع نموده است. قوم هندی ایرانی پس از هجرت از شمال آسیا - سیرری - به سوی جنوب به دو گروه تقسیم شدند برخی به طرف هند و برخی دیگر به سوی ایران آمدند. آن چه که این ادعا را ثابت می کند نزدیکی زبان ودا با اوستا است. مهاجران با بومیانی که در این مناطق ساکن بودند به مبارزه پرداختند و در این ناحیه سکنی گزیدند. نبرد نیروهای قوم آریایی با بومیان که به عقیدشان اهریمنان و دیوان بودند بخشی از حماسه ملی ما را تشکیل می دهند.

آریاییان پس از استقرار در این مناطق با گروه دیگر به نام سکاها به مبارزه پرداختند و حماسه ها آفریدند. با هجوم سکاها، که همسایگان شمالی بودند، پیکار و ستیزه های دشوار و درازدانی در گرفت و جنگاوری و رشادت ایرانیان سبب به وجود آمدن بخشی دیگر از حماسه ملی ایران گردید.

تحقیق درباره ی رد پاهای به جای مانده از دوره کهن نشان می دهد که گروهی دیگر از آریاییان مهاجر که آسیای میانی را ترک کردند به سوی ایرانیان آمدند تا آن جا که «تورانیان از چادر نشینان آریایی ماوراء جیحون و سیحون بودند که در جستجوی منزلگاهی جدید به ایران می تاختند. هجوم های پیاپی ایشان در قرون متوالی، و دفاع ایرانیان از سرزمین خود در برابر آن ها، سبب به وجود آمدن داستان هایی شد که بعدها تکامل یافته بود. و جنگ های تورانیان به سرکردگی افراسیاب نمونه ای از آن داستان ها می باشد. شاید این آریاییان مهاجم و ساکن جیحون و سیحون و یا قسمی از آنان همان سک sak بودند.» [دکتر ذبیح الله صفا، ۱۳۵۲، ص ۲۵]

روی هم رفته نبرد ها و پیکارهایی از این دست بن مایه و شالوده حماسه ملی ایران را تشکیل می دهد و آغازین دوره حماسه همان روزگار - روزگار ورود آریاییان به ایران - می باشد.

#### ب) دوره تدوین و تکامل

از زمان پیدایش تا نگارش داستان ها و روایات حماسی زمان بسیار زیادی سپری شد. هم گام با جنگ ها و ستیزها روایات حماسی نیز شکل می گرفت، خنیاگران دوره گرد و گوسان ها - رویان داستان های حماسی بودند. این روایات را به این سو و آن سو می بردند و این امر عامل گسترش داستان هادر اقصا نقاط ایران می گردید و همچنین این روایات سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال می یافت. بی شک منش و کنش پهلوانان در پیکار ها که پشتوانه و بن مایه این داستان ها بودند در پردازش روایات به وسیله مردم دست خوش دگرگونی ها می گردید این امر موبدان را وادار به جستجو در میان مردم کرد تا با ژرف کاوی داستان ها و روایات ملی را بر روی کاغذ بیاورند و آن را از خطراتی چون تحریف و یا نابودی حفظ کنند. روایات و احادیثی که سینه به سینه نقل می شد اگر چه برخی از آن ها - مانند قصه کیومرث، گاو و... - مبتنی بر اوام و خیالات گذشتگان بود اما یقیناً برخی دیگر مبتنی بر اصل تاریخی بوده است ولی به علت کثرت روایات و نقل سینه به سینه از حقیقت تاریخی خود منحرف شده و به صورت داستان و قصه در آمده است. بنابر آثار به جای مانده قدیمی ترین کتابی که در آن از روایات حماسی سخن به میان آمده است کتاب اوستا است. با این که مقدار زیادی از ایسن

کتاب به علت حمله اسکندر و علل دیگر از بین رفته است باز هم در بردارده بسیاری از روایات ملی ایران است. پس از اوستا کتاب دیگری که به روایات ملی پرداخته است کتاب یادگار زریران است «در حدود سال ۵۰۰ یا کمی دیرتر ممکن است که کتاب کوچک پهلوی - یادگار زریران - در شرح احوال زیر پهلوان نوشته شده و این قدیمی ترین داستان پهلوانی اصیل است که به زبان ایرانی برای ما باقی مانده است.» [تئودور نالدکه، ۱۳۲۷ ص ۲۰] اما مهم ترین اثر تاریخی عهد ساسانی خدای نامه است. «خدای نامه - شاهنامه پهلوی - کتابی بود در تاریخ و سیر ملوک ایران از کیومرث تا شاهان ساسانی که در آن قصص و روایات و داستان های ملی و مذهبی و تاریخی راجع به اغلب پادشاهان ساسانی، گرد آمده بود.» [تئودور نالدکه، ۱۳۲۷ ص ۵۶] روی هم رفته می توان گفت که نشأت و ظهور حماسه ملی ایران از زمانی بسیار کهن - دوره هایی که آریاییان به ایران آمدند- است، کم کم شکل تکامل یافته ای گرفت تا اینکه در زمان ظهور زرتشت و پیدایش اوستا به صورت کتاب در آمد.

### آثار حماسی پیش از اسلام

همان طور که گفته شده است که نخستین روایات حماسی در کتاب اوستا آمده است. این کتاب در پنج باب، به نام های ۱ - وندیداد (ویدیداد) ۲ - یسناها ۳ - پشت هاء - خرده اوستا ۵ - و سپرد تقسیم شده است. یشت ها از لحاظ روایت حماسی و ملی مهم ترین باب اوستا به شمار می رود در دوره پهلوی نیز کتاب های چون یادگار زریران و کسار نامه اردشیر بابکان - که مآخذ فصل بزرگی از شاهنامه ابومنصوری و مآخذ مهم شاهنامه فردوسی بوده است - به کتابت در آمد، البته کتاب هایی که در حوزه دین بود نیز به نقل روایات ملی پرداختند کتاب هایی نظیر ارداویرافنامه، مینوی خرد، دینکرد، بندهشن.

پس از این کتاب ها می توان از خدای نامه به عنوان مهم ترین اثر نقل داستان ها و روایات ملی نام برد.

### آثار حماسی پس از اسلام

پس از اسلام مردم ایران به دو دسته تقسیم شدند. دسته ای بر دین آبا و اجداد خود، زردشتی، باقی ماندند و دسته ای دیگر به زور شمشیر یا ایمان، به اسلام گرویدند و گروهی که بر دین آبا و اجداد خویش باقی ماندند تحقیر هایی که اعراب بر آنها روا داشتند را نمی توانستند تاب بیاورند و این امر آن ها را به بیان مفاخر گذشته کشاند. در این راستا نهضت شعوبیه در جهت بیان مفاخر و بیدار نمودن حس میهن پرستی ایرانیان و تحقیر تازیان فعالیت های چشم گیری انجام می دادند، نهضت شعوبیه در ابتدا در میان ایرانیان که بعضا موالی و بنده اعراب بودند رواج داشت پس از مدتی - به ویژه در عهد عباسان - به سبب نفوذ و راه یافتن در دستگاه حکومتی رونقی ویژه یافت این نیز دیری نپایید و ترکان بر ایران مسلط شدند. اعراب ایران را به تصرف خود در آوردند اما نتوانستند در دل ها نفوذ کنند در حالی که ترکان آن گونه نفوذ کردند که حماسه های ملی ما مبدل به حماسه دینی و مذهبی و احیانا تاریخ و شرح احوال حکمرانان گردید و ایرانیانی که به آیین آبا و اجداد خود افتخار می کردند پدرانشان را مجوس و ناپاک خواندند و تمام زحمات شعوبیه، بر مکیشان، که در دربار هارون الرشید بودند، و آل سهل بی ثمر گشت.

حماسه پردازی در ایران را به اعتباری می توان به گونه های زیر تقسیم بندی نمود:

الف) آثار حماسی ملی

ب) آثار حماسی دینی

ج) آثار حماسی تاریخی

## الف) آثار حماسی ملی

۱) شاهنامه مسعود مروزی ،

نخستین کسی که داستان های حماسی ایران را به نظم کشید مسعود مروزی بود که کتاب ایشان در دست نیست .

۲) دقیقی طوسی ، شاعر دیگری است که به سرودن اشعار حماسی پرداخت اما مرگ نا بهنگام مانع سرایش بیش از هزار بیت از شاهنامه اش گردید .

۳) فردوسی ، بعد از دقیقی، فردوسی خالق بزرگ ترین منظومه حماسی ملی ایران است و اثر او، یعنی شاهنامه ، در شمار زیباترین آثار حماسی دنیا است .

۴) گرشاسب نامه اسدی طوسی ، دومین اثر بزرگ حماسی بعد از شاهنامه است که در قرن پنجم به وسیله ابو نصر علی بن اسدی طوسی سروده شده است.

## ب) آثار حماسی دینی

۱) خاوران نامه ، اثر مولانا محمد بن حسام الدین مشهور به ابن حسام ، این کتاب در شرح احوال زندگی علی ابن ابیطالب (ع) است .

۲) صاحبقران نامه ، دیگر منظومه دینی از شاعری گمنام است در این کتاب روایت هایی از سیدالشهدا حمزه بن عبدالمطلب آمده است .

۳) حمله حیدری ، یکی از مهم ترین منظومه حماسی دینی حمله حیدری است این کتاب در باره زندگی محمد بن عبدالله (ص) و علی بن ابیطالب (ع) است ناظم این کتاب میرزا محمد رفیع خان باذل پسر میرزا محمد است اما با مرگ باذل و ناتمام ماندن این کتاب میرزا ابوطالب صفدرسکی معروف به ابو طالب اصفهانی این کتاب را تمام کرد.

۴) اردیبهشت نامه ، منظومه از سروش اصفهانی این کتاب در شرح احوال حضرت رسول اکرم و ائمه اثنی عشر می باشد .

## ج) آثار حماسی تاریخی

۱) اسکندر نامه ، اسکندر نامه را نمی توان اثری صرفاً تاریخی دانست چرا که با افسانه ها و خرافات بسیاری آمیخته گردید . نخستین شاعر اسکندر نامه نظامی گنجوی است ، اما پس از وی شاعران دیگری چون امیر خسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی نیز به سرایش اسکندر نامه پرداختند .

۲) ظفر نامه ، مهم ترین حماسه تاریخی پس از بخش تاریخی شاهنامه فردوسی است که توسط حمدالله مستوفی سروده شده است .

۳) شهنشاه نامه ی تبریزی ، که تاریخی از دوره ی مغول است که توسط احمد تبریزی سروده شده است .<sup>(۱)</sup>

فصل دوم